

زنده باد 11 سپتامبر؟؟!!

نوشته: س. آزاد

اکتبر 2003

در دومین سالروز دلخراش 11 سپتامبر در نیویارک، مراسم و مجالس یادبود رسمی بسیاری در همه جا برگزار، و بازهم چنانچه انتظار می رفت، اشک هایی بدین مناسبت ریخته شده است! اما آیا این یادبود بر روال متعارف و فقط در یک روزی مشخص بوده است؟ خیر!

11 سپتامبر در واقع پرتین مقوله ایست که دوسال آزرگار به نحوی مستمر و پایدار، چه با شلیک راکت، توپ، مسلسل، و بمب افکن های لشکر های متجاوز و اشغالگر امپریالیستی ... و چه با تبلیغ سیاسی - ایدئولوژیک و روانی شان از طریق وسایل ارتباط جمعی، بر ذهن، هوش و گوش و محاورات روزمره آدمیان مستولی گردیده است!

گستره سیطره بلامنازع این عبارت، نه یک جغرافیای مشخص سیاسی، که برعکس تا مرزهای نامحدود "جامعه جهانی" امتداد می یابد، توگویی که این هم جلوه ای از همان گلوبالیزاسیون باشد!

علت جهانی شدن این مقوله و تأثیر جادویی دوامدارش ، نه جاذبه لفظی و نه هم - چنانچه در وهله نخست به ذهن متبادر میگردد - مضمون تأثر برانگیز آنست که رویداد جگرخراش تروریستی در نیویورک و مسأله قربانیان بیگناه آنرا تداعی می نماید ؛ شاید بتوان انهدام برج های مرکز جهانی ، و نه سه هزار انسان قربانی را ، که سمبول قدرت اصحاب سرمایه امریکا را به نمایش میگذاشتند ، به عنوان عامل مؤقتی در انتشار و ترویج مقوله 11 سپتامبر قبول کرد ؛ اما این موضوع چه ربطی به بینوایان ، این قاطبه بشریت روی زمین دارد؟! که ناخواسته و شبانه روز در اینباره بشنوند و سخن برانند !

شاید لازم بود ، 11 سپتامبر را به عنوان روزی سیاه ، در تاریخ رویداد های سال 2001 امریکا ، ثبت نمود ، نه اینکه دوسال تمام - نهایتش را هم نمی توان پیش بینی کرد - به این نام و بخاطرش ، خواب « راحت » مجموعه بشری را به کابوسی هولناک مبدل ، و شبانه روز ترس ، رعب و اختناق را اشاعه ، و براین منوال ترور روانی را اعمال نمود ! ...

علت واقعی جهانی شدن مقوله 11 سپتامبر و تأثیر جادویی دوامدارش را نه در آنچه گفته آمد ، که برعکس در طرح ، اهداف و کارنامه های عملی ای بایست جستجو نمود که به عنوان يك پروژه ، البته بنام همان 11 سپتامبر و به بهانه اش ، همه روزه و بطور مستمر ، رویداد های جگر خراش بی شمار دیگری را در اطراف و اکناف جهان ، تولید و بازتولید میکند که قربانیان بی گناه آن تا همیندم ، به هر تقدیری اضعاف اضعاف قربانیان بیگناه 11 سپتامبر در نیویورک می باشند ، قربانیانی که نه « کسی » از ایشان یاد می نماید و نه لازم است بخاطر شان اشک بریزد !!!

اینست که جا دارد این مقوله سحرانگیز را نه بعنوان مقوله سال ، نه مقوله يك دهه ، بلکه - اگر به بخل ، چشم تنگی و کوتاه نگری متهم نگردیم - بعنوان مقوله قرن برگزید! مگر نه اینست که سیاست سازان امریکایی، از قرن امریکا صحبت می نمایند که مبداء آن همین 11 سپتامبر میباشد ؟ پس زنده باد 11 سپتامبر؟!

آری، راز پایداری، استیلا، و اگر میسر باشد، "جاودانگی" این مقوله، در همان پروژه ایست که با حمیت، غرور و تفرعن امریکایی، زیر نام 11 سپتامبر تبلیغ، ترویج و عملی میگردد. این پروژه، به زعم بازیگران اصلی سیاست امریکا، در واقع پیش زمینه برپایی امپراطوری جهانی شان میباشد که با بهره اندوزی فرصت طلبانه - بعنوان يك ابر قدرت - از وضعیت نا متعادل قدرت ناشی از پایان « جنگ سرد » ، می کوشند اشتباهی سیری ناپذیر و رؤیای به ثمر نرسیده امریکایی را اینک با گزینش دکترین گویا "قرن امریکا" متحقق گردانند! 11 سپتامبر بعنوان نقطه عزیمت ، به همین پروژه باید خدمت نماید! پس زنده باد 11 سپتامبر؟!

محرک های اقتصادی این پروژه ، اهداف سودجویانه سرمایه داری بزرگ امریکا و در پیشاپیش آن ، سرمایه نفتی میباشد ، و ابزار تحقق آنهم همانا

استراتژی تجاویز نظامی پنتاگون که در سیاست رسمی اعلام شده قصرسفید ، زیر عنوان جنگ « ضد تروریستی » و ضربت پیشگیرانه بازتاب یافت ، سیاستی که متعاقب 11 سپتامبر و به بهانه اش آغاز ، و به گفته بوش ، سالیان متمادی باید ادامه یابد!

آری ، ابزار پیشبرد و تحقق این پروژه ، همان برنامه عملی پنتاگون ، همان سیاست رسمی اعلام شده قصر سفید مبنی بر جنگ دراز مدت « ضد تروریستی » صلیبان نوین است که قصد دارند ، بريك چنین زمینه ای "عدالت امریکایی" - بخوانید انتقام کشی امریکایی - را هم ، چنانچه بوش آنرا سرمست از باده خون ریزی و ویرانگری ، به رخ جهانیان کشید ، قبل از همه ، بر « دوزخیان روی زمین » برقرار سازند ؛ زنده باد 11 سپتامبر؟! (11 سپتامبری که گویا عاملین حقیقی آنهم، هنوز بطور کاملا اثباتی معلوم نمی باشند!)

نمود عملی این « عدالت امریکایی » در خود جامعه امریکا و نمونه های دموکراتیک آن در اروپا ، در هردو شق آن بقول رامسفلد (اروپای کهن و اروپای جدید) اگر از جهتی نیمرخ خود را در لفافه های بظاهر متمدنانه، اما با توجیحات راسیستی دفاع از ارزش های مدنیت انسان سفید می پوشاند ، تصویر روشن نیمرخ دیگر این "عدالت ... " در بگی و بیندهای غیر قانونی ، تجاوز برحرم زندگی شخصی، کنترل اراده گرایانه و نامحدود، ایجاد خوف و رعب، و اعمال فشار و اختناق ... تجسم آشکار می یابد که گویا بخاطر 11 سپتامبر عملی ، و براین زمینه ، به خود این مقوله پیوسته روح تازه و پایدار می دمد ؛ پس زنده باد 11 سپتامبر؟!

از مضمون ، محتوا و تطبیق عملی برهنه و عریان « عدالت امریکایی » آقای بوش برزمینه رویداد های جگرخراش و خانمانسوز همیشگی در گوشه های دیگر جهان مثل افغانستان و عراق که ظاهرا انتقام خونین 11 سپتامبر را افاده می نمایند ، چه باید گفت! این انتقام

کشی ها ، چنانچه می بینیم ، اگر بخاطر 11 سپتامبر نباشند ، ولی به بهانه اش همواره ادامه دارند!

تروریست های اسلامی مثل القاعده و طالبان ، یعنی همان متحدین دیروزی و مغضوبین امروزی « عدالت امریکایی » ، از قدرت سیاسی ساقط و بقول بوش نبرد « ضد تروریستی » امریکا در افغانستان، با **ب قدرت رسانیدن تروریست های جهادی ائتلاف شمال و شرکا به رهبری کرزی**، پایان یافته است؛ اما غرش هواپیما های ب - 52 امریکا و بم های بنیاد برافکن آن در هر کوی و برزن که بیگناهان زیادی همواره طعمه آن میگردند ، بلا انقطاع شنیده میشود ، طرفه اینکه در پهلوی قوای حافظ « صلح » بین المللی ، تازه ناتو را هم ، وارد معرکه نموده اند! اینها همه گویا بخاطر همان ملاعمر و بن لادن که کسی هم نمی تواند (!) آنها را پیدا نماید؟! در واقع کسی اصلا در پی دریافت آنها نمی باشد ؛ آنها کماکان باید متواری باشند ؛ شبح بن لادن و ملاعمر باید در همه

جا حاضر باشد ؛ کابوس خواب راحت مردم در هر گوشه دنیا ، باید تروریسم گویا بن لادن و ملاعمر از همان نمونه 11 سپتامبر باشد و... اگر قرار به پیشبرد **پروژه امریکا** و تطبیق "عدالت امریکایی" می باشد ، یادبود 11 سپتامبر بناگزیب باید "جاودانه" گردد ؛ اینست رازی که مقوله و رویداد 11 سپتامبر را از هر مقوله و رویداد دلخراش دیگری ، متمایز میسازد ؛ زنده باد 11 سپتامبر!؛

رژیم ضدبشری صدام را به بهای ریختن خون مردم بیگناه عراق و ویرانی این کشور ساقط و « ائتلاف شمال » عراقی را بجایش نصب نمودند ، اما نه از سلاح های کشتار جمعی تا ایندم اثری بدست آمده است و نه ارتباط صدام با رویداد 11 سپتامبر را کسی توانسته است ثابت نماید! آخر اصلا چیزی برای اثبات وجود نداشت؛ این را پیشاپیش جنگ، خود مفتشین سازمان ملل ، برزمینه تحقیق و جستجوی زیاد ، بارها اظهار نموده بودند که با بی اعتنائی زورگویانه امریکایی ها مواجه گردید ، زیرا سقوط رژیم صدام که هدف آشکار بوش اعلام شده بود و استیلای مستقیم امریکا برچاه های نفت عراق ، جزئی از پیشبرد پروژه امریکا بود که می بایست عملی می شد!

اگر اهمیت استراتژیک خاورمیانه و آسیای مرکزی را برمحور یک محاسبه دقیق ، جامع و مترابط اقتصادی ، نظامی و سیاسی مورد مذاقه قرار دهیم ، ابعاد واقعی **پروژه امریکا** ، الزامات و ابزار های تحقق آن را - تجاوز نظامی ، اشغال ، ایجاد پایگاه های نظامی ، دولت سازی های پوشالی یا همان دموکراسی ادعایی دولتمردان امریکایی... - می توان بخوبی شناخته ، به نقش و جایگاه 11 سپتامبر هم در استراتژی توسعه طلبانه امریکا و راز « جاودانگی » این مقوله راه یافت . با تحلیل از همه این واقعیت های عینی است که میشود به مضمون پروژه امریکا ، ماهیت دموکراسی مورد نیازش در منطقه و براین سیاق ، به عدالت امریکایی پی برد که مدل افغانستان و عراق بیان گویای آن و بنابراین سرمشق برای تمام منطقه باید گردد!

نتیجه منطقی ایرا که از همه این واقعیت های عینی و غیرقابل انکار میتوان استخراج نمود اینست که :

11 سپتامبر و جنگ « ضد تروریستی » آمریکا و متحدینش فقط بهانه ایست برای پیشبرد اهداف و برنامه های توسعه طلبانه ، غارتگرانه و هژمونی طلبانه مدافعین دروغین آزادی ، دموکراسی و عدالت در منطقه ! برای پیشبرد همه این مقاصد از هیچ ذریعه ای هم فروگذار نمی کنند ؛ تمامی نرم ها و موازین شناخته شده جامعه بین الملل را زیر پا می گذارند از منشور سازمان ملل آشکارا تخطی ، و خود این سازمان را به حاشیه می رانند ؛ به زور ، اعمال قهر و نمایش عضلات متوسل میشوند و... در حقیقت بروفق شرایط و مقتضیات حاکم در جنگ ، یعنی بحکم قانون جنگ عمل می نمایند ؛ و بدینسان نه از مدنیت غربی مورد ادعای شان ، که برعکس از اندیشه های دوران بربریت و شیوه های اعمال قدرت خاصه عصر توحش بدفاع برمی خیزند ؛ یعنی به 11 سپتامبر با همان منطق 11 سپتامبر پاسخ میگویند!!! و این همان پیامی میباشد که آقای بوش ، عنوانش را به طعنه ، "عدالت امریکایی" گذارد!

بنابراین 11 سپتامبر در واقع، موهبتی بوده و میباشد "آسمانی" که برنامه ریزان اصلی سیاست امریکا، انتظارش را می کشیدند! آنچه را که آنها بنام 11 سپتامبر و به بهانه اش بدست آورده اند ، ممکن بود به این بساطت فقط در عالم رؤیا میسر گردد و بس!

ولی آیا این فقط اربابان سرمایه های بزرگ امریکایی و متحدین و طراحان پروژه امریکا هستند که از 11 سپتامبر سود برده و می برند؟ خیر!

در خود اردوگاه امپریالیسم ، در تمامی مراحل - مرحله تدارک برای جنگ ، پیشبرد جنگ ، و مرحله کنونی پس از پایان جنگ - چانه زنی ها برسر غنائم جنگی و میزان سود های احتمالی در منطقه از لحاظ استراتژیک ، اقتصادی ، سیاسی و... رویهمرفته نمودی از حدت تضاد های درونی برسر تقسیم مجدد جهان میباشد :

به سخریه گرفتن سازمان ملل ، زورآزمایی های متحدین و مخالفین در شورای امنیت ، دسته بندی های نوین در اتحادیه اروپا ، یعنی همان اروپای کهن و اروپای جدید ، موقعیت سازمان اتلانتیک شمالی - ناتو ، و تلاش عملی در راستای همان ایده ارتش مستقل اروپا ... همه وهمه جلوه هایی از این کشاکش ها را به نمایش میگذارند .

در این میان اما ، نباید سهم خادمان منطقه ای و بومی شان بویژه در افغانستان و عراق را از دیده فرو گذاشت؛ کرزی، ائتلاف شمال و باقی مزدوران از قبل استخدام شده در خدمت سی، آی، ای در افغانستان و به همین سان "ائتلاف شمال" عراقی متمثل در شورای حکومتی عراق که خود محصول برنامه ریزی چندین ساله سی ، آی ، ای میباشد ، نخستین کسانی هستند که در کنار آمریکا و متحدین امپریالیستش از 11 سپتامبر و رویداد های متعاقب آن سود برده و می برند! رژیم های پوشالی و نصب شده آمریکا در هر دو کشور ، و به همین منوال افراد و جریاناتی خارج از دایره "سلطه" این دولت های دست نشانده ، تحقق منافع فردی و گروهی خویش را در گرو تبلیغ و ترویج به نفع باداران امپریالیست شان ارزیابی نموده و متناسب بدان فعالیت عملی می نمایند ! تقرر به مقام های ریاست دولت، وزارت، شورای حکومتی و ... تا القاب اهدایی "کارشناس" در آژانس ها و بلندگو های تبلیغ و ترویج ایدئولوژیک سیاسی امپریالیستی که برخی از روشنفکران

خادم امپریالیسم بدان دلخوش نموده اند ، همه از مقتضیات پروژه امریکا و گوشه ای از ثمرات همان 11 سپتامبر میباشند!

نتیجه گیری از بررسی رویداد 11 سپتامبر در دومین سالگرد آن و سیاست های ریاکارانه ای که بر این زمینه ، اهداف و مقاصد امپریالیستی و ارتجاعی را دنبال مینمایند ، کامل نخواهد شد ، مگر اینکه به جنبه دیگر این پدیده هم - جنبه عمده آن - اشاره ولو کوتاهی نموده باشیم و آن عبارت از موج ملیونی حرکت های اعتراضی توده ای با خصلت انترناسیونالیستی ، یعنی يك قیافه ماورای قاره ای میباشد ؛ این جنبش عظیم توده ای ، چه بمثابة يك حرکت آگاهانه برنامه ریزی شده ، و چه در شکل خودجوش آن که گسترده ترین گرایشات سیاسی اجتماعی را ، بطور زنده ، بالنده و پویا ، در خود تمثیل می نمود ، بر محور ضدیت با تهاجم و جنگ امپریالیست ها در افغانستان و عراق شکل گرفته بود. همین حرکت ملیونی توده ای بود که با ایستادن و نه گفتن در قبال تهاجم و جنگ در افغانستان و عراق ، نه تنها اهداف و سیاست های تجاوزکارانه جنگی و اشغال دو کشور مزبور را قویا محکوم می نمود ، بلکه هویت حقیقی و ضد دموکراتیک منادیان آزادی و دموکراسی را هم به نحوی چشمگیر افشا کرد!

این جنبش عظیم اعتراضی بطور انکارناپذیری نشان داد که دولتمردان امریکایی و متحدین امپریالیست شان به پایه ای ترین خواسته های دموکراتیک مردمان خودشان هم کوچکترین وقعی و اعتنایی ندارند ، زیرا نظرسنجی ها و حضور فعال و رزمنده توده های ملیونی در خیابانها چه قبل از آغاز تهاجم و جنگ و چه در جریان آن ، نشان میدادند که يك جمعیت چشمگیر در خود امریکا و اکثریت مردم اروپا ، سیاست های تجاوزکارانه امریکا و متحدینش در افغانستان و عراق را نمی پذیرند ، و این خود ، این واقعیت را مبرهن میسازد که صانعین اصلی سیاست و گزینش ابزار پیشبرد آن ، بویژه آنجا که سرنوشت ملل ستمدیده و تحت سلطه مورد نظر باشد ، نه اراده آزاد و دموکراتیک اکثریت مردم ، برعکس اراده و منافع اربابان سرمایه و نهاد های متنفذ خادم ایشان میباشند!

در امریکا ، حتی خود خانواده های قربانیان رویداد 11 سپتامبر در پیشاپیش موج اعتراضات توده ای با بلند نمودن این شعار که **بنام ما نه** حرکت مینمودند!

این شعار هم ، به سرعت به يك شعار برانگیزاننده کلیت جنبش اعتراضی ضد جنگ در امریکا مبدل گردید.

در دومین سالروز 11 سپتامبر ، خاطره قربانیان بیگناه آن رویداد دلخراش را گرامی داشته و با خانواده های شجاع آنها که نگذاشتند خون قربانیان شان مورد سوء استفاده و بهره برداری دولتمردان امریکا گردد ، باید اعلام همدردی کرد!

آیا سالروزی بمناسبت گرامی داشت یاد قربانیان بیگناه و بی شمار انتقام کشی های عنان گسیخته و جنگ های تجاوزکارانه امپریالیستی در افغانستان و عراق و... برگزار خواهد شد؟ چه کسانی با خانواده های این قربانیان باید اعلام همدردی نمایند؟

جنگ هاي "ضد تروريستي" امريكا و متحدينش، در واقع، خود جنگ ها و عمليات تروريستي
امپرياليستي ميباشند كه تروريسم توليد و بازتوليد مينمايند

